

## ایران و آمریکا: ادامه چالش یا توافق بر سر نظم نوین منطقه‌ای

با شروع مراحل اجرایی موافقت‌نامه ژنو میان ایران و کشورهای ۵+۱ گفت‌وگوها و مذاکرات کشورهای آمریکا، فرانسه، آلمان و انگلیس با ایران بر سر همکاری‌های منطقه‌ای گسترش پیدا کرده و از حدود توقعات و انتظارات تحلیل‌گران سیاسی فراتر رفته است. به نظر می‌رسد پرونده اتمی ایران و حل‌وفصل آن حتی به صورت موقت بهانه غرب برای وارد کردن ایران در معادلات مهم منطقه‌ای بوده است. ایالات متحده آمریکا در حوزه‌های گوناگون بحران منطقه‌ای به نقش سازنده ایران نیاز فوری دارد. چنان‌که می‌دانیم، نیروهای ناتو قرار است در سال جاری مسیخی از افغانستان خارج شوند و مسئولیت امنیت این کشور را به عهده ارتش افغانستان قرار دهند. دولت حامد کرزای هنوز از امضای موافقت‌نامه همکاری‌های راهبردی با ایالات متحده آمریکا خودداری می‌کند. در صورت خروج نیروهای ناتو از افغانستان، بیم آن می‌رود که جنبش طالبان مجدداً به صحنه درگیری‌های داخلی بحران افغانستان وارد شود و یک‌بار دیگر تجربه پیشین را در اشغال کابل تکرار کند. از طرف دیگر، ایالات متحده آمریکا می‌داند که ایران در موضوع ضرورت حذف طالبان از ساختار سیاسی افغانستان با واشنگتن اشتراک نظر دارد. بنابراین آمریکا پس از خروج

\* رییس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

نیروهایش از افغانستان می‌تواند روی نقش سازنده کشور بزرگ و همسایه افغانستان یعنی ایران حساب باز کند. آمریکا این همکاری ایران و واشنگتن را در چارچوب مبارزه با تروریسم تفسیر می‌کند. در سوی دیگر، ماجرای دولت نوری المالکی نخست‌وزیر عراق با مشکلات فراوان داخلی مواجه شده است. دولت نوری المالکی هم با ایالات متحده آمریکا شراکت راهبردی دارد و هم با ایران منافع راهبردی. بنابراین نقطه تلاقی آمریکا و ایران در پرونده بحرانی عراق نیز به چشم می‌خورد. استان انبار عراق در معرض عملیات نیروهای القاعده و سازمان داعش قرار دارد. خطر جغرافیایی استان انبار این است که با مرزهای مشترک عراق و سوریه نزدیک است و سازمان داعش قلمرو عملیاتی خود را گسترش داده تا مناطق غربی عراق را به لحاظ جغرافیایی با مرزهای شرقی سوریه پیوند داده و عمق راهبردی خود را تأمین کند. در این نقطه نیز ایران نمی‌تواند مخاطراتی از این دست را در شعاع امنیت ملی خود تحمل کند. لذا ایران رسماً اعلام کرده است که آماده همکاری همه‌جانبه با دولت نوری المالکی برای مبارزه با داعش در غرب عراق است. در این زمینه آمریکا و ایران به صورت اعلام نشده منافع مشترک دارند. از مرزهای غربی عراق کمی آن‌سوتر به سوریه می‌رسیم که در معرض یک جنگ دامنه‌دار داخلی قرار دارد. ایران و ایالات متحده آمریکا در مورد ماهیت بحران سوریه و چگونگی راه‌حل این بحران دیدگاهی به کلی متفاوت با یکدیگر دارند، اما با گذشت دو سال از بحران داخلی سوریه برای همه طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مشخص شده که بحران سوریه رفته‌رفته جنبه منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کرده است. سرزمین سوریه به یک عرصه برای حضور اتباع ده‌ها کشور تبدیل شده است. همه این نیروها را واشنگتن در زمره نیروهای تروریستی دسته‌بندی کرده است. ایران نیز از گذشته نیروهای ستیزه‌جوی سوریه را تکفیری‌های وابسته به عربستان سعودی تعریف کرده است. خطر غلبه این نیروها در سوریه هم منافع متحد راهبردی آمریکا یعنی اسرائیل را تهدید می‌کند و هم ایران را از داشتن یک متحد راهبردی در محور مقاومت منطقه‌ای یعنی رژیم بشار اسد محروم می‌کند. از این رو مذاکرات ایران و آمریکا بر سر پاک‌سازی سوریه از وجود نیروهای تروریستی می‌تواند به سود همه طرف‌ها تمام شود. در مورد راه‌حل سیاسی بحران سوریه نیز هم ایالات متحده نسبت به شعار قبلی‌اش در مورد ضرورت کناره‌گیری بشار اسد عقب‌نشینی کرده و هم

ایران در مورد ایجاد اصلاحات ساختاری در بافت قدرت سوریه به نتایج قطعی دست یافته است. در نتیجه دو طرف می‌توانند بر سر راه‌حل‌های ممکن‌الوقوع سیاسی در مورد بحران سوریه دست یابند. در منطقه خلیج‌فارس دو کشور عربی دستخوش بحران هستند: یکی بحرین و دیگری یمن. در مورد بحرین آشکار است که اختلاف‌نظر ایران و ایالات متحده فراوان است. دولت بحرین ایران را به دخالت در بحران این کشور متهم می‌کند، اما گزارش‌های دقیق کارشناسان غربی نشان داده است که بحران این کشور بیشتر به نابرابری در تقسیم قدرت میان اکثریت شیعه این کشور و یک اقلیت سنی مذهب حاکم بازمی‌گردد. حتی کمیته‌ای که به دستور پادشاه بحرین به منظور بررسی ریشه‌های بحران این کشور تشکیل شد، در گزارش نهایی خود به ادعای دخالت ایران در اوضاع داخلی بحرین پاسخ منفی داد. بحران این کشور همچنان ادامه دارد و هر از چندگاهی اوضاع شکل بحرانی به خود می‌گیرد. می‌دانیم که بحرین میزبان ناوگان پنجم آمریکا است. بنابراین واشنگتن با تهران می‌تواند در مورد یافتن راه‌حل سیاسی برای بحران بحرین پیدا کند. بحران دیگر در یمن است. پس از کناره‌گیری علی عبدالله صالح، کشور یمن که با یک انقلاب فراگیر مردمی همراه با دیگر انقلاب‌های جهان عرب مواجه بود، در اثر دخالت وسیع عربستان سعودی راه دیگری برای خروج از بحران انقلاب پیمود و با دخالت سازمان ملل متحد و عربستان سعودی مصالحه‌ای میان نیروهای سیاسی شکل گرفت که تا کنون ادامه دارد. در مجموع می‌توان گفت که بحران‌های متعدد منطقه‌ای موجب شد که دو نیروی منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان سعودی در یک صف‌آرایی آشکار به دلیل آنچه پایتخت‌های دو کشور دخالت طرف مقابل توصیف می‌کردند، ابعاد بحران‌ها را گسترش دادند. در مورد بحران سوریه، این صف‌آرایی ایران و عربستان سعودی بیش از حوزه‌های دیگر بحران جدی و همه‌جانبه همراه با پیامدهای وسیع منطقه‌ای و بین‌المللی بود؛ زیرا هم عربستان سعودی و هم ایران از متحدان خود در منطقه و جهان خواستند که برای دفاع از حوزه منافع خود در سوریه وارد عمل شوند. عربستان سعودی علاوه بر قدرت‌های بزرگ جهانی نظیر ایالات متحده آمریکا و فرانسه، راه‌های ورود داوطلبان ستیزه‌جوی اسلامی را به خاک سوریه هموار کرد تا در کنار مخالفان مسلح دولت این کشور برای سرنگونی دولت بشار اسد تلاش کنند. از سوی دیگر، حزب‌الله لبنان نیز به عنوان متحد راهبردی ایران و

سوریه برای آنچه سیدحسن نصراله آن را دفاع از آخرین قلعه مقاومت ضدصهیونیستی در خاورمیانه می‌دانست، نیروهای خود را به خاک سوریه وارد کرد. برخی نیروهای داوطلب عراقی نیز به جمع این نیروها در سوریه پیوستند. در نتیجه جنگ داخلی سوریه علاوه بر ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی به یک جنگ مذهبی و فرقه‌ای متمایل شد و این موضوع زنگ خطر را در برخی پایتخت‌های منطقه به صدا درآورد. بحران سوریه به زودی چهارمین سال خود را آغاز خواهد کرد. این بحران به‌عنوان بزرگ‌ترین بحران جهانی در دهه اخیر توصیف شده است. با این حال هیچ‌یک از نیروهای منطقه‌ای و جهانی نتوانستند رقیب خود را در سوریه از پا درآورند. روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی در کنار دولت اسد ایستاد و آمریکا در مقابل در کنار عربستان سعودی موضع گرفت، اما این صف‌آرایی جهانی و منطقه‌ای نتوانست اوضاع بحرانی سوریه را به یک نقطه تعیین‌کننده برساند. در نتیجه همه طرف‌ها به ضرورت حل‌وفصل بحران سوریه با استفاده از فرمول‌های سیاسی دست یافتند. اجلاس ژنو دو یکی از نشانه‌های اراده همه طرف‌ها برای انتقال به راه‌حل سیاسی محسوب می‌شود. ایران از شرکت در این اجلاس به دلیل مخالفت اپوزیسیون مسلح این کشور؛ ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی محروم شد، اما آمریکا به نقش مهم و محوری ایران و ظرفیت بالای آن در حل‌وفصل سیاسی بحران سوریه آگاه بوده و هست. شاید به همین دلیل است که در حاشیه اجلاس ژنو دو نمایندگان آمریکا و ایران به گفت‌وگو درباره فرصت‌های ممکن برای یافتن راه‌حل سیاسی جنگ سوریه پرداختند.

بدین ترتیب در همه نقاط بحرانی خاورمیانه نه آمریکا و عربستان سعودی می‌توانند نقش بی‌همتای ایران را نادیده بگیرند و نه ایران می‌تواند از روی واقعیت‌های موجود در منطقه و ارتباط آن با حوزه منافع راهبردی غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا پرش کند. راه‌حل باقیمانده، گفت‌وگوی آمریکا و ایران به طور مستقیم بر سر کانون‌های یاد شده بحرانی می‌تواند مفید باشد. در واقع واشنگتن در این زمینه نباید از سیاست خرید وقت استفاده کند. زمان به سود هیچ‌یک از طرف‌ها پیش نمی‌رود، اما ادامه جنگ سوریه فقط یک قربانی دارد و آن ملت سوریه است. نقاط مشترک منافع ایران و ایالات متحده آمریکا در برخی کانون‌های بحران بیشتر از نقاط افتراق آنان است. می‌توان مذاکرات دو طرف را بر سر حوزه‌های بحرانی برخوردار از نقاط مشترک تهران و

واشنگتن متمرکز کرد و در قدم بعدی می‌توان روی کانون‌های محل اختلاف، سیاست مذاکرات گام‌به‌گام را در پیش گرفت تا در نهایت ایران و ایالات متحده آمریکا در مورد برقراری نظم نوین منطقه‌ای به تفاهم برسند. ایران نشان داده است که در دستیابی به توافق همه‌جانبه جدی است. این موضوع را در مذاکرات ۵+۱ با ایران می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد. ایران نشان داده است که عملاً از لبنان تا عراق حوزه نفوذ خود را گسترش داده و به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای تبدیل شده است. ایالات متحده آمریکا با شناخت و ارزیابی دقیق این واقعیت می‌تواند با این قدرت بزرگ منطقه‌ای در جهت دستیابی به توافق همه‌جانبه در مورد برقراری نظم نوین منطقه‌ای به تفاهم برسد. به شرط آنکه زاویه نگاه دولت آمریکا از محدوده تنگ امنیت اسرائیل فراتر برود و منطقه خاورمیانه را بر پایه یک حوزه گسترده‌تر از محدوده اسرائیل مورد بازنگری قرار دهد.